

خوانش معنایی انگاره‌های ماندالا در الگوی خانه‌های قاجاری

بهنام و قدکی تبریز^۱

محمدرضا پاکدل فرد^{*}، سارا پورمختار^{**}، حسن ستاری ساربانقلی^{***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی - ۹۴-۷۷

چکیده

از دوره قاجار تبریز خانه‌های بسیار ارزشمندی بجای مانده است که یکی از آنها بهنام و دیگری قدکی است که دارای سردر و هشتی مشترکی می‌باشند و به نظر می‌رسد مفاهیم پنهانی و رای پلان معماری آنها وجود دارد. پرداختن به مسئله معنا و یافتن لایه‌های عمیق در حوزه معماری امری اجتناب‌ناپذیر است؛ از این‌رو در این مقاله در جهت یافتن این مفاهیم و ارتباط بین این دو بنا از لحاظ استفاده از مفاهیم کهن‌الگویی پرداخته شده است. سؤالات اصلی تحقیق بدین شکل مطرح می‌شود: ۱. کهن‌الگوی ماندالا چگونه در کالبد معماری خانه‌های قدکی و بهنام تبریز نمود پیدا کرده است؟ ۲. تجلی معنایی بر اساس مفاهیم کهن‌الگویی ماندالا در خانه‌های بهنام و قدکی چگونه است؟ هدف این پژوهش یافتن الگوهای بنیادین به عنوان زبان مشترک برای تداوم معماری این خانه‌هاست. در این پژوهش کهن‌الگوی ماندالا با خوانش نشانه‌شناختی از طریق صورت‌های بنیادین، انگاره‌ها و بازنمایی مفاهیم‌اش قابل بازیابی است. با توجه به تاریخی - تحلیلی بودن پژوهش و مقایسه‌ی تطبیقی خانه‌های مورد مطالعه، به شکل کیفی و توصیفی به جمع‌بندی پرداخته شده است، در عین حال با توجه به رویکرد نظری آن، از رویکرد نشانه‌شناختی برای استخراج رمزگان و معنا استفاده شده است. با استناد به روش نشانه‌شناسی لایه‌ای، از تبدیل داده‌ها به الگوهای پارادایمی که نشان‌دهنده حضور ماندالا در شکل‌گیری ساختار خانه‌های مورد مطالعه هستند، استفاده شده است. در ادامه تحلیل معنایی هریک از انگاره‌های ماندالایی در نمونه‌های مورد مطالعه صورت گرفته است. نتیجه پژوهش نشان از ردپای نمود انگاره‌های ماندالایی چون اعداد و الگوهای هندسی مشخص است. پایه‌های نخستین معماری خانه‌های بهنام و قدکی در قالب شکل‌های هندسی ساده، منظم و قائم به مرکز شامل دایره، چندضلعی‌های منتظم و مربع است که در ترکیبی ماندالوار توسعه یافته‌اند و دارای ماهیت کهن‌الگویی‌اند.

واژگان کلیدی: انگاره، ماندالا، الگو، نشانه‌شناسی، خانه قدکی و خانه بهنام.

۱. این مقاله برگرفته از رساله نگارنده اول با عنوان «گونه-ریخت‌شناسی الگوی خانه‌های حیاطدار دوره قاجار تبریز بر اساس مفاهیم کهن‌الگویی با رویکرد نشانه‌شناسی (نمونه موردی: محله نوبیر تبریز)» می‌باشد که به راهنمایی نویسنده مسئول و با مشاوره نویسنده سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تدوین شده است.

m.pakdelfard@srbiau.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

sarah.purmokhtar@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

sattari@iavt.ac.ir

*** دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران



مقدمه

معماری یک مقصد، یک مکان یا رویدادی در فضا تلقی نمی‌شود، بلکه ماندگار بودن را بر کالبد بنا ترجیح می‌دهد. برای تقویت این موضوع الگوها و به‌خصوص کهن‌الگوها مؤثر هستند که در مفهوم بی‌زمانی ساختن مطرح شدند و بر ساختار و فرم تأثیر می‌گذارند. یونگ این را خصلتی ذاتی می‌داند (زندگی محب، ۱۴۰۰: ۳۰۰). شکل‌گیری کهن‌الگوها و وارد شدن آنها از ناخودآگاه جمعی انسانی به شیوه‌های طراحی است که گاه به‌صورت دانسته و نادانسته بر فرم تأثیر می‌گذارد. این کهن‌الگوها به‌صورت زبانی مشترک انتقال‌دهنده هویت، سنت و فرهنگ آدمی هستند (بهرامی سامانی، ۱۴۰۱: ۶۷). امروزه نظریه‌های متعددی در زمینه شکل‌گیری معماری وجود دارند. در هر بنایی مفاهیمی نهفته در پس ظاهر الگویی آن وجود دارد. الگوهایی که ریشه در ژرفترین بسترهای ضمیر ناخودآگاه و آگاه جمعی داشته و بسیاری از ارزش‌ها را هدایت می‌کنند (براتی و کاکاوند، ۱۳۹۵: ۶). در این میان خانه به‌عنوان مهمترین فضای زندگی انسان بازتابندهی ارزش‌ها و ایده‌های انسان است (قره‌بگلو و رشاد، ۱۴۰۰: ۲۳۵). معماری خانه موضوعی مهم در مطالعات مربوط به سبک‌های معماری است و مطالعه تحولات آن می‌تواند آموزه‌هایی برای اندیشه معمارانه ارائه دهد (اشرف‌گنجویی و سلطان‌زاده زرنندی، ۱۴۰۱: ۵۹). خانه‌های سنتی بسته به ارزش‌های فرهنگی مختلف جامعه شکل می‌گیرند. در طول زمان بعضی از فضاهای خانه‌ها ناپدید می‌شوند. درحالی‌که بعضی فضاها کاربری خود را تغییر داده‌اند. تمامی تغییرات همگام با شرایط اجتماعی و پیشرفت‌های جامعه رخ داده است (Ayyildiz et al., 2017: 2). در معماری سنتی ایران، ساخت خانه و محل سکونت امری فرهنگی

بوده که در ارتباط مستقیم با سنت و نگرش فرهنگی - اجتماعی مردم است، به‌گونه‌ای که خانه نمودی از خود انسان و تجلی‌گاه سنن فرهنگی آن جامعه تلقی می‌شود (پورمند و ریخته‌گران، ۱۳۸۵). در واقع خانه‌های تاریخی به‌عنوان بخشی از هویت مردمان این سرزمین هستند.

در معماری سنتی ایران، خانه مهمترین فضای معماری بوده که در تلفیق با فرهنگ، اقلیم، هنر بومی هر منطقه جغرافیایی نمود و عناصر فضایی خاصی داشته است. تبریز به‌عنوان یکی از مهمترین شهرهای دوره قاجار، دربرگیرنده خانه‌های ارزشمندی است. شهری که میراثی ماندگار جهت بررسی، تحلیل و ارائه الگوهای طراحی است. با تحلیل و بررسی خانه‌های حیاطدار دوره قاجار تبریز می‌توان مفاهیم تأثیرگذار در کالبد خانه‌ها با توجه به مقولات و جنبه‌های مشترک یا نهفته در الگوی آنها یافت. متن معماری خانه‌ها به‌عنوان کالبدی، جهت‌عینیت یافتن مفاهیم کهن‌الگویی به‌عنوان بستری جهت خلق معنا مطرح شده‌اند. مفاهیم کهن‌الگویی نمادین در کالبد معماری خانه‌ها به‌عنوان نشانه‌ها پنهان شده‌اند. و با رویکرد نشانه‌شناسانه در متن معماری خانه‌ها قابل خوانش هستند. در این تحقیق به ارائه چارچوبی مفهومی از طریق خوانش متن معماری خانه‌ها با رویکرد نشانه‌ای به مقایسه تطبیقی الگوهای فضایی خانه‌های قاجاری به‌نام و قدکی تبریز بر اساس مفاهیم کهن‌الگوی ماندالا پرداخته شده است. هدف این پژوهش شناسایی انگاره‌های کهن‌الگوی ماندالا و مقایسه تطبیقی در کالبد فضایی خانه‌ها مورد مطالعه و تجلی معنا در بستر آنهاست.

سؤالات پژوهش عبارتند از: ۱. کهن‌الگوی ماندالا چگونه در کالبد معماری خانه‌های قدکی و به‌نام تبریز نمود پیدا کرده است؟ ۲. تجلی معنایی بر اساس

مفاهیم کهن‌الگویی ماندالا در خانه‌های بهنام و قدکی چگونه است؟ بر این اساس هدف این پژوهش نیز خوانش مفاهیم کهن‌الگوی ماندالا و بازنمود معنایی ارزش‌های پنهان در بطن معماری خانه‌ها است.

پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد نقش، تنوع و ویژگی‌های خاص خانه ایرانی همیشه مورد توجه بوده است. همچنین در معرض تخریب قرارگرفتن آنها به واسطه تغییر شیوه زندگی، تعدد مالکین، مهاجرت و به‌طورکلی از دست‌دادن جذابیت‌ها برای زندگی امروز بررسی آنها را ضروری می‌نماید. لازمه حیات‌بخشی این خانه‌ها، شناخت همه‌جانبه از آنهاست. قدم اول بازشناساندن ارزش‌های این کالبد‌های کهن براساس الگوهای آنهاست. در خصوص مطالعه و بررسی خانه‌های تبریز در دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان تنها به دو کتاب تحت عناوین، خانه‌های قدیمی تبریز (کی‌نژاد و محمدرضا شیرازی، ۱۳۸۹) و همچنین تاریخ معماری خانه‌های قدیمی تبریز (اسمعیلی و سنگری و بهروز عمرانی، ۱۳۹۲) اشاره کرد. در مقاله سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم بطور کلی به الگوهای فضایی بررسی شده‌اند (حق‌جو، سلطان‌زاده، تهرانی و آیوزیان، ۱۳۹۸). در باب کهن‌الگو ماندالا و معماری پژوهش‌های محدودی انجام یافته است. در پژوهش «آرکی‌تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران بر اساس آراء یونگ رمز مادینگی در طرح‌واره‌های ماندالوار معماری تاریخی ایران» به چگونگی تأثیرپذیری معماری تاریخی ایران از ناخودآگاه جمعی با تأکید بر رمزهای مادینه اشاره شده و در پژوهش دیگر با عنوان «بازتاب کهن‌الگوی مادر در معماری تاریخی ایران بر اساس آراء یونگ» به ارائه خوانشی متکی بر روانکاوی یونگی از

معماری تاریخی ایران و میزان تأثیرپذیری اش از کهن‌الگوهای مادینه ناخودآگاه مردان سازنده و چگونگی تأثیرپذیری ناخودآگاه‌ها از کهن‌الگوها پرداخته شده است (هروی، فلامکی و طاهای، ۱۳۹۸). دستیابی به زبان الگوی مشترک به واسطه یافتن کهن‌الگوها که از سه منبع اسطوره، رویا و نماد و شناسایی کهن‌الگوها و تبیین مفاهیم معنایی در پژوهش «تجلی کهن‌الگوهای یونگ در ساختار معماری مجموعه آرامگاهی عارف چلبی اوغلو» مطرح شده است (بهنود، بیلان و ستارزاده، ۱۳۹۹). در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقش تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج از کشور» به خلق معانی مشترک، بازنمایی کهن‌الگوها در فرآیند تولید معماری، از میان کهن‌الگوهای برگزیده و شبیه‌سازی فضاهای کهن‌الگوی معماری ایرانی بررسی شده است (یمینی، علی‌محمدی و بذرافکن، ۱۴۰۱). در کتاب‌هایی نظیر اندیشه یونگ (بیلکسر، ۱۴۰۰) به تحلیل و بررسی اندیشه یونگ در کهن‌الگوها از جمله اشکال ماندالا پرداخته شده است. همچنین در کتاب‌های چون انسان و سمبل‌هایش (یونگ، ۱۳۹۵)، رمزپردازی (بورکهارت، ۱۳۷۰)، هنر مقدس (بورکهارت، ۱۳۹۹)، بخش‌هایی به موضوع ماندالا اختصاص داده شده است. باوجود آثار پژوهشی بسیار در باب کهن‌الگو و ماندالا، تاکنون پژوهش مستقلی در رابطه با نحوه تجلی کهن‌الگوی ماندالا در خانه‌های قاجار تبریز صورت نگرفته است و این موضوع برای اولین بار در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش ترکیبی تفسیری-تاریخی و تطبیقی-موردی انجام پذیرفته است. روش گردآوری اطلاعات به صورت

کتابخانه‌ای، اسنادی و براساس تحلیل محتوا و متون تاریخی با مشاهده و مطالعات میدانی صورت گرفته است. بر این اساس، در مرحله نخست مطالعات نظری پیرامون عوامل و پدیده‌های دخیل در مسئله انجام شده است. در نهایت ترکیب داده‌ها به صورت نشانه‌شناسی لایه‌ای در کالبد معماری خانه‌های قاجاری بهنام و قدکی تبریز بررسی شده است. در مرحله بعدی سعی شده است مدل نظری انگاره‌های ماندالایی در بستری منتخب جهت حصول اهداف، سنجش و تدقیق شود. به همین دلیل، گام شناسایی مفاهیم کهن‌الگویی ماندالا در بطن خانه‌ها بر اساس مطالعات میدانی پایه‌ریزی شده است که در آن چگونگی عملکرد مدل نظری و روال استخراجی از آن در بطن فضای زندگی انسان دنبال می‌شود. در این مرحله، شاخصه‌های کهن‌الگوی ماندالا به کمک تفکر نشانه‌شناختی تحلیل شده‌اند. رابطه میان انگاره‌های ماندالا در دو بنای قاجاری قدکی و بهنام با دسته‌بندی صحیح اطلاعات و شناخت مفاهیم از تفسیر فرآیند نشانه‌شناسی^(۲) به روش فرآیند نشانگی پیرس و رمزگان اکو بررسی و تحلیل شده‌اند. تا با مطالعه از طریق لایه‌های نشانه، انگاره‌های ماندالایی در ساختار نمونه‌های موردی^(۳) معنا شوند.

مبانی نظری

در معماری سنتی ایران، خانه یکی از مباحث مهم است که از آغاز تولد تا پایان زندگی، تمام خاطرات آدمی در آن شکل می‌گیرد و به‌گونه‌ای است که نیازهای مادی و معنوی انسان را برطرف سازد (رمضان‌پور شرقی و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۶). انسان سعی می‌کند تا بازتاب بودن و سکناگرینی خویش را به مکان گره زده و با بیان مفاهیم و استعاره حیات خویشتن را تحقق بخشد (کاظمی و مهدوی‌پور و کوشش‌گران، ۱۴۰۰: ۶۸). فهم

ساختاری خانه‌ها همانند بررسی یک جز در کل است که میتواند ارتباطات فضایی را در قالب الگوها بازنمایی نماید (رضوی‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۳). یکی از مفاهیم مشهود انگاره‌های بنیادین، اصالت و پایداری است (براتی و کاکاوند، ۱۳۹۵: ۵) که در ماهیت و اصالت خانه تداوم داشته‌اند. «الگوهای کهن^(۴) عینی و ذهنی بوده و باوجود بی‌زمانی زنده و پویا می‌باشند» (براتی و کاکاوند، ۱۳۹۵: ۶). با توجه به این که انگاره‌های ماندالا به عنوان متغیر مستقل و عناصر کالبدی خانه‌های قدکی و بهنام، به عنوان متغیر وابسته می‌باشند، ابتدا مفاهیم مرتبط با حوزه کهن‌الگو به‌ویژه ماندالا شناسایی و معرفی می‌شوند تا در ادامه، چگونگی تأثیرشان بر خانه‌های قدکی و بهنام مشخص شود.

کهن‌الگو

کهن‌الگو، تفسیر مفهومی افلاطون است. این کلمه برای رسیدن به مقصد کمک کننده است و با پرداختن به مفهوم ناخودآگاه جمعی است که با الگوهای باستانی^(۵) سروکار داریم. لوی-بروئل^(۶) از عبارت «جلوه‌های جمعی^(۷)» برای اشاره به شخصیتی نمادین استفاده می‌کند که می‌توان آن را به محتویات ناخودآگاه نیز نسبت داد (یونگ، ۱۴۰۰: ۱۱). روان‌ناخودآگاه جمعی متشکل از کهن‌الگوهای است (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ الف: ۵) که در ژرف‌ترین لایه‌های روانی ذهن بشر مشترک است (یاوری و وفایی، ۱۳۹۶: ۱۶۲) و در ناخودآگاه به عنوان سمبل‌های از هم متمایز نشده، وجود دارند (مک‌گوایر و کرینگتون، ۱۳۹۸: ۹۹)؛ از این نظر، تفاوت زیادی بین کهن‌الگو و شکل‌های تاریخی وجود دارد^(۸). «کهن‌الگو مبین آن جنبه‌ای از روانشناسی یونگی است که بیشتر از هر جنبه‌ی دیگری وارد مجموعه مفاهیم ما شده است» (بیلکسر، ۱۴۰۰: ۵۱).

کهن‌الگو، مدل فرضی و غیرقابل نمایش است (یونگ، ۱۴۰۰: ۱۲)؛ پتانسیل‌هایی که تا به خودآگاه‌ها خطور نکنند، مستتر می‌مانند و می‌توانند در خودآگاه به هزاران شکل ممکن پدیدار شوند (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳) و از طریق انتخاب‌ها در قالبی نمادین بازتاب می‌شوند که بازتاب یکی از آن‌ها در معماری است (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ الف: ۵). بر اساس نظریه یونگ، معماری عرصه مناسبی برای تجلی نمادهای کهن‌الگویی است. جایی که باورها در مصالح تجلی می‌یابند؛ ناخودآگاه، اغلب خانه‌ها را به عنوان نماد انتخاب می‌کنند (Barrie, 2010: 65). کهن‌الگوها با ایجاد معنا در باطن عناصر حضور می‌یابند. کهن‌الگوها بار معنایی را در طراحی فضاهای انسان ساخت به همراه دارند (رضوی‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۱) و این روح مشترک می‌تواند باعث قدسی و جاودانگی بنا شود (براتی و کاکاوند، ۱۳۹۵: ۸).

معماری آمیخته با خلاقیت، مظهری برای باورهایی است که گاه در قالب رمزی بروز می‌کنند و بنابراین یونگ نمی‌تواند از تأثیر ناخودآگاه جمعی عاری باشند (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ ب: ۵۱). تعداد کهن‌الگوها به عنوان نمونه‌های اولیه و الگوهای پایه محدود است، ولی تنوع آن‌ها در فرم بسیار است. معماری براساس کهن‌الگوها، معماری آرکی‌تایپی را بوجود می‌آورد (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۳) که در ادامه با توجه به تکرار مفاهیم کهن‌الگویی، ماندالا به شکل دقیق‌تر بررسی می‌شود تا تحلیل‌های مرتبط با پژوهش را شکل دهد.

ماندالا

ماندالا^(۹) کهن‌ترین رمز اعتقادی و مذهبی، تصویری از جهان است که گیتی و خدایان را در اندازه‌های کوچکتر نشان می‌دهد. رسم ماندالا بازآفرینی جهان است

(سلمانی‌نژاد، ۱۳۹۳) که براساس نظم میان وحدت اضداد (ماده و مینو) شکل گرفته است (اوجاق علیزاده و غلامپور، ۱۳۹۹: ۷۱) و به عنوان برجسته‌ترین بیان برهم‌کنش دایره و مربع در هنر سنتی (اردلان و بختیار، ۱۳۹۶: ۶۱)، یک مرکز و یک محیط است که می‌کوشد تا کل را دربرگیرد (مک‌گویر و کرینگتون، ۱۳۹۸: ۲۲۰). در موارد بسیار مکرری، نوعی چهارگانگی با مضرب چهار را شامل می‌شود^(۱۰). درکیمیایی همین نقش‌مایه به صورت دایره‌ای محاط در مربع ظاهر می‌شود، در واقع بی‌نظمی را به نظم تبدیل می‌کند (بیلکسر، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

چیزی است که در کیمیایی به آن دایره‌ی مربع^(۱۱) یعنی مربع در دایره یا دایره در مربع می‌گویند (مک‌گویر و کرینگتون، ۱۳۹۸: ۲۱۹). مرکز ماندالا به مثابه جایگاه نزول محور عالم می‌باشد و هرآنکه به کانون وجود (ماندالا) دست یابد گویا به مرکز هستی که همچون نقطه‌ی وصل برای مبدأ آدمی و مبدأ کائنات است پیوند یافته است (شایگان، ۱۳۹۳: ۱۹۳) و با من (اگو) منطبق نیست بلکه با کلیت که من به آن نفس^(۱۲) گفته می‌شود منطبق است. این اصطلاحی برای کلیت است. من در من (اگو) نیست، کل شخصیت است، مرکز کل شخصیت (مک‌گویر و کرینگتون، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

یونگ چند سرنمون اصلی را مطرح کرده است که یکی از مهمترین آنها «خویشتن یا خود» است (غلامپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۸). وی از بعد تاریخی در مشرق زمین کهن‌الگوی خویشتن را در ماندالاها یافت (مک‌گویر، کرینگتون، ۱۳۹۸: ۲۲۰) و آن را در جایگاه کهن‌الگوی خویشتن بازناساند (Lee & Nadea, 2011: 1153). کهن‌الگوی خویشتن در فلسفه‌ی غرب، نمود تمامیتی می‌باشد که به صورت نمادهای تربیع، دایره، ماندالا و تثلیث باز نموده شده است (مورنو، ۱۴۰۰: ۶۳). به عنوان یک سمبل قدیمی در

کهن‌الگو، مدل فرضی و غیرقابل نمایش است (یونگ، ۱۴۰۰: ۱۲)؛ پتانسیل‌هایی که تا به خودآگاه‌ها خطور نکنند، مستتر می‌مانند و می‌توانند در خودآگاه به هزاران شکل ممکن پدیدار شوند (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳) و از طریق انتخاب‌ها در قالبی نمادین بازتاب می‌شوند که بازتاب یکی از آن‌ها در معماری است (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ الف: ۵). بر اساس نظریه یونگ، معماری عرصه مناسبی برای تجلی نمادهای کهن‌الگویی است. جایی که باورها در مصالح تجلی می‌یابند؛ ناخودآگاه، اغلب خانه‌ها را به عنوان نماد انتخاب می‌کنند (Barrie, 2010: 65). کهن‌الگوها با ایجاد معنا در باطن عناصر حضور می‌یابند. کهن‌الگوها بار معنایی را در طراحی فضاهای انسان ساخت به همراه دارند (رضوی‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۱) و این روح مشترک می‌تواند باعث قدسی و جاودانگی بنا شود (براتی و کاکاوند، ۱۳۹۵: ۸).

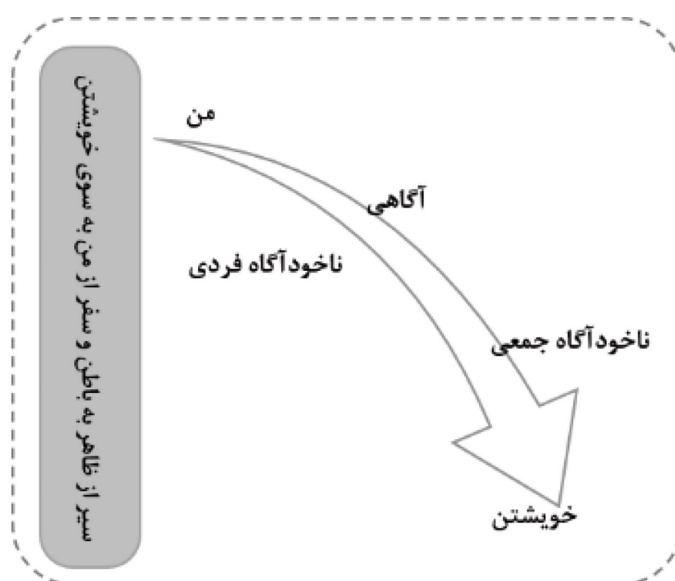
معماری آمیخته با خلاقیت، مظهری برای باورهایی است که گاه در قالب رمزی بروز می‌کنند و بنابراین یونگ نمی‌تواند از تأثیر ناخودآگاه جمعی عاری باشند (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ ب: ۵۱). تعداد کهن‌الگوها به عنوان نمونه‌های اولیه و الگوهای پایه محدود است، ولی تنوع آن‌ها در فرم بسیار است. معماری براساس کهن‌الگوها، معماری آرکی‌تایپی را بوجود می‌آورد (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۳) که در ادامه با توجه به تکرار مفاهیم کهن‌الگویی، ماندالا به شکل دقیق‌تر بررسی می‌شود تا تحلیل‌های مرتبط با پژوهش را شکل دهد.

ماندالا

ماندالا^(۹) کهن‌ترین رمز اعتقادی و مذهبی، تصویری از جهان است که گیتی و خدایان را در اندازه‌های کوچکتر نشان می‌دهد. رسم ماندالا بازآفرینی جهان است

همه جای دنیا دیده می‌شود و نشان‌دهنده الوهیت یا نفس است؛ کهن‌الگوی نظم درونی است، یک نمای جهانی یا ساختن نمایی از روح ما (مک‌گوایر و کرینگتون، ۱۳۹۸: ۲۲۰). ماندالا برای یونگ رمزی از حالات خویشتن بود که ترکیبات چهارگانه‌ای شامل دروازه‌ها و مسیرهای خالی هستند و تصاویر دوبعدی و سه‌بعدی دارند (Barrie, 2010: 70) و نمونه‌ای از توانایی‌های پارادوکسی است، زیرا خویشتن خواهان تقابل‌هاست (غلام‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۶) و سرنمون

خویشتن نمودار عمیق‌ترین لایه‌ی ناآگاه است (مورنو، ۱۴۰۰: ۶) که در ماندالا بازتاب می‌شود و در مرکز دایره ناخودآگاه قرار دارد. چلیپا به گونه‌ای غیرمستقیم ماندالا را در خود دارد. «بررسی نماد دایره نشان می‌دهد دایره (کره) تمثیل خود و حاکمیت تمامیت روان با تمامی جوانبش همچون رابطه میان انسان و طبیعت است» (فیروزی مقدم و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳۰). در دیاکرام ۱ مسیر رسیدن از من به خویشتن و سیر رسیدن از ظاهر به باطن براساس نظریه یونگ آورده شده است.



دیاکرام ۱: سیر رسیدن از ظاهر به باطن؛ مأخذ: بر مبنای (یونگ، ۱۴۰۰).

نمادپردازی در اشکال و اعداد ماندالایی

ماندالا یکی از مهمترین کهن‌الگوهای یونگ است که با برخی اعداد، اشکال هندسی و مفاهیم ارتباط دارد (فیروزی مقدم و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۲۸) و در مفهوم کمال، تمامیت و خویشتن، نمادهای مختلفی دارد. این صورت ازلی ابتدا یک نماد دینی بود و در اثر توجه روانشناسانی چون یونگ و سپس نقادان اساطیری به عرصه ادبیات وارد شد (سلمانی‌نژاد مهرآبادی، ۱۳۹۳: ۵۵). یونگ فهرستی از ویژگی‌های صوری اشکال ماندالا را ارائه داده است که مجسم ساختن

آن را در ذهن تسهیل می‌کند: شکل‌هایی دایره‌وار، کره‌ای یا بیضی مانند؛ دایره با نقش‌هایی تودرتو به یک گل (گل رز یا نیلوفر آبی) یا یک چرخ تبدیل می‌شود (بیلکسر، ۱۴۰۰: ۱۲۸)؛ در معماری نیز دایره، علامت وحدانیت اصیل و آسمان است و در مرکز همه چیز با همزیستی، به وحدت می‌رسد^(۱۳) (به‌نود و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۵). پژوهش‌های کهن‌الگویی در حوزه معماری^(۱۴) بر محور الگوهای تکرار شونده در آثار معماری ایران متکی است که غالباً بر پایداری الگوی ماندالا و فرم‌های هم‌ارز آن، چهارتاق، الگوی چهارصفه و مربع‌های نه قسمتی در معماری

منزلتی متعالی و مقدس را دارند (یونگ، ۱۳۹۹: ۲۱۱)؛ چون عدد سه مکاشفه‌ی انسان و خیر اعلی می‌باشد (مورنو، ۱۴۰۰: ۹۳). برای فیثاغورثیان، عدد ۷ مفهوم ویژه‌ی خود را داشت که از مجموع دو عدد ۳ و ۴ تشکیل می‌شود^(۱۷)، از این رو عدد ۷ به عنوان مجموع سه و چهار مقدس بود (غلام‌پور، طاووسی، اوجاق‌علیزاده، ۱۳۹۵: ۶۰). از آنجا که آسمان، عالم و دایره هر کدام در حکم یه ماندالا هستند، با خویشتن در ارتباطند^(۱۸) (غلام‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۰).

تحلیل ریز فضاهای موجود در خانه‌های قاجار محله نوبر تبریز

برای یافتن پاسخی مناسب برای سؤالات تحقیق، به تحلیل خانه‌های قاجار قدکی و بهنام مطابق با انگاره‌های ماندالا پرداخته می‌شود؛ نخست از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی آرا و نظریات مرتبط با آن، معیارهای بدست آمده در شناسایی مفاهیم کهن‌الگویی ماندالا شناسایی و دسته‌بندی شده است. در جدول ۱، به معرفی نمونه‌های موردی پرداخته شده است.

تأکید دارند (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ ب: ۵۲). اشکال ماندالا به‌رغم تفاوت‌های ظاهری، صرف‌نظر از خاستگاه زمانی یا مکانی‌شان در بنیان خود، همانند هستند (بیلکسر، ۱۴۰۰: ۱۲۸) و در امور فرهنگی بیشترین اهمیت را دارند. زیرا معمولاً کانون آن‌ها در یکی از معتبرترین وجهه‌های مذهبی قرار دارد (یونگ، ۱۳۹۹: ۱۳۵) که اجزا و عناصر گوناگونی از فضاها، معماری، از تزئینات گرفته تا فرم فضا (گلابچی و زینالی فرید، ۱۳۹۳: ۸۴) و در قالب مجموعه‌ای از اشکال دارای تقارن مرکزی، عنصری پایدار در طرح‌واره‌های معماری ایرانی خود را نشان دهد (هروی و دیگران، ۱۳۹۸ ب: ۵۳).

با توجه به آن که فیثاغورثیان عدد را بنیان جهان می‌انگاشتند (هالینگ‌دیل، ۱۳۹۸: ۹۵) و عدد را مقدس می‌شمردند (یونگ، ۱۳۹۵: ۴۸)، ارزشمندی اعداد پیشتر در رابطه با جهان به عنوان بزرگترین ماندالا متجلی می‌شود. «مفهوم عدد در اسلام همانند نظام فیثاغورثی است که در آن کیفیت و امکانات عدد به صورت ظاهر آن محدود نمی‌شود (ولیان، ۱۳۹۱: ۶۰). در تفکر جمعی از نظر یونگ، عدد سه^(۱۵) و نیز عدد هفت^(۱۶)

جدول ۱: معرفی نمونه‌های موردی

خانه	نوع	ورودی			حیاط		فضای داخلی			ایوان
		سردر	پیش‌در	آلان	اندرونی	بیرونی	اتاق‌ها	طنبی	حوضخانه	
خانه بهنام	قدکی و قدکی	ورودی مشترک با خانه قدکی و از طریق دالانی در پشت خانه این خانه می‌باشد.			بنا به صورت اندرونی و بیرونی است. اندرونی در شمالی‌ترین بخش و اتاق‌هایی در شرق و غرب و مهتابی در ضلع شمال و رو به حیاط اندرونی		ضلع شمالی حیاط بیرونی شامل طنبی (هفت دری)، کله‌ای و اتاق است. زیرزمین شامل حوضخانه و اتاق‌های زیر طنبی برای نشیمن تابستانی و دیگر اتاق‌ها به صورت انباری و مطبخ		ایوان جنوبی برای نشیمن تابستان و ایوان شمالی با ستون‌های چوبی و سرستون‌های گچبری شده است.	
	قدکی	دارای سکو، کوبه فلزی، در چوبی مشبک			سنگ در آزاره حیاط بیرونی و با ارتفاعی کمتر در آزاره حیاط درونی		تالار شامل شومینه، طاقچه، رف و... می‌باشد. اتاق‌های اطراف تالار ملقب به گوشواره است.		ستون‌های بلند به ارتفاع تالار و طاق‌های پی در پی ایوان	
	قدکی	سردر نیم‌گنبد و سقف هشتی کاربردی دارد.			ضلع شرقی و غربی حیاط بیرونی با دیواره‌هایی که دارای طاق نما		تزئینات و نقاشی‌های سقف و دیواره‌ها، طنبی ارسیدار با گچبری، سقف کاربردی حوضخانه		مقرنس‌های جانبی ایوان جنوبی، گچبری پیشانی ایوان	

خانه	فضا	ورودی			حیاط		فضای داخلی			ایوان			
		سردر	هشتی	دالان	اندرونی	بیرونی	اتاق‌ها	طنبی	حوضخانه	جنوبی	شمالی		
خانه بهنام	تصاویر و نقشه‌ها	پلان زیرزمین	پلان			برش آ-آ	برش و نما			عکس			
			همکف	پلان			برش ب-ب	نما جنوبی			عکس		
				طبقه اول	پلان			نما شمالی	عکس				
					پلان				عکس				
خانه قدکی	تصاویر و نقشه‌ها	پلان زیرزمین	پلان			برش آ-آ	برش و نما			عکس			
			پلان همکف	پلان			برش ب-ب	نما جنوبی			عکس		
				پلان همکف	پلان			نما شمالی	عکس				
					پلان				عکس				
ویژگی‌ها فضا	ورودی مشترک با خانه بهنام. از سردر ورودی به هشتی و ورود از هشتی به حیاط بیرونی			بنا شامل دو حیاط بیرونی و اندرونی است. حیاط اندرونی آن کوچک بوده که بازشوهای فضای اندرونی خانه به آن باز می‌شده است.		دو قسمت شرقی و غربی بنا، در دو طبقه که اتاق‌های زیر زمین با سقف طاقی شکل به صورت آب انبار، مطبخ و انباری. طنبی در قسمت شمالی بنا و به سمت شمال و جنوب باز می‌شود.			دو سمت طنبی خانه ایوان وجود دارد، ایوان جنوبی به سمت حیاط بیرونی، ایوان شمالی سمت حیاط اندرونی				
جزئیات	دارای سکو، کوبه درب ورودی، در چوبی مشبک			حیاط بیرونی خانه از سه جبهه شرق، غرب و جنوب شامل بناست.		اتاق‌های گوشوار در دو طرف طنبی قرار دارد. حوضخانه دارای سکوهای جانبی و حوض سنگی			ایوان جنوبی با ستون‌های رفیع به ارتفاع تالار می‌باشد.				
ترتیبات	سردر نیم‌گنبد و سقف هشتی کاربردی دارد.			حوض سنگی در حیاط‌ها، ازاره‌های سنگی و همچنین آجرکاری حیاط		طنبی با پنجره‌های ارسی و شیشه‌های رنگی حوضخانه با سقف طاقی کاربردی شده			آینه‌کاری سقف ایوان جنوبی و سرستون‌های سنگی				

مأخذ: برمبای (کی نژاد، ۱۳۹۹): (اسمعیلی، عمرانی، ۱۳۹۳). (میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی)

مطالعه و مطالب اشاره شده در جدول ۲ در ارتباط با ویژگی‌های صوری، بازنمایی و بازنمود مفاهیم ماندالایی، ویژگی‌ها و عناصر مهم آنها در ساختار کالبدی نمونه‌های مورد مطالعه مشخص و تحلیل شده است. و در نهایت با توجه به تحلیل‌های انجام یافته انگاره‌ها در بازنمود کهن‌الگوی خویشتن بررسی شده است. شناسایی انگاره‌های مستخرج شده در بررسی نمونه‌های مورد مطالعه، منجر به بازنمایی دقیق و شناسایی مفاهیم در خانه‌های مورد مطالعه شده است.

در جدول ۲ به معرفی انگاره‌های ماندالایی در راستای خوانش معنایی پرداخته شده است. در این جدول ویژگی‌های صوری اشکال ماندالایی دایره، مربع، ترکیب دایره و مربع، هشت ضلعی، نقش گل هندسی، چلیپا و چلیپای شکسته، چهارتاقی و اعداد مطرح شده است. سپس بازنمایی مفاهیم انگاره‌هایشان و در نهایت بازنمود معنایی آنها با ترسیم اشکال اساطیری مرتبطشان آورده شده است. با کمک گرفتن از جدول ۱ با توجه به کالبد خانه‌های مورد

جدول ۲: معرفی انگاره‌های ماندالایی در راستای خوانش معنایی

اشکال اساطیری	بازنمود مفاهیم در معماری	بازنمایی مفاهیم انگاره‌های ماندالایی	ویژگی‌های صوری اشکال ماندالا		کهن‌الگو
			مربع ۹ در ۹ مرکز	مربع ۹ در ۹	
	پلان معابد باستانی، زیگورات‌ها، کاخ‌ها	نماد سکون و ثبات در مکان، مرکز و نقطه، تولد و آغاز، باغ بهشت، نماد تجلی و وصول، ارتباط متافیزیکی با آیه قرآن دارد: او اول است و آخر است و باطن است و از همه چیز آگاه است.	هم محور هم مرکز	مربع ۹ در ۹	ماندالا اشکال
	گنبد در مساجد، خانه‌ها، حمام، کاروانسرا، بازار و آتشکده‌ها....	ترکیبی برتر و متعالی، چهارگوش کردن دایره (آسمان، مکان) برای دستیابی به وحدت در جهان مادی و استیلا روح بر جسم و یا مربع (زمین، ماده) شکلی که ابتدا و انتها دارد به شکلی که نه ابتدا دارد و نه انتها، نه آغاز دارد و نه پایان و جسم بر روح استیلا یافته	دایره محاط در مربع محاط در دایره	مربع و دایره	
	مقابر، زیارتگاه‌ها، سردرها نیم دایره، گنبد، شهرهایی با طرح دوار،	بیانگر میل به وحدت معنوی و تداعی کننده امنیت، دایره به عنوان اصل تکامل و تفرّد، مفهوم مرکز، ترکیب جنبه‌های دوگانگی و وحدت	مدور هم محور	دایره	
	هشتی خانه‌ها و حمام‌ها، کاروانسراها	واسطه‌ای میان مربع و دایره، گذرگاهی است با اشیای چهارتایی (زمین، ماده) به سوی دایره که نماد کمال و ابدیت	هشت ضلعی		
	تزیینات، پنجره، نرده و درب‌های قدیمی خانه‌ها، سقف مساجد و بازارها، دیوار مدارس، کاشی‌کاری، آجرکاری	گل رز نشانه آرامش، نعمت و صلح، تقوی، پاکدامنی، عشق و زیبایی، دایره‌ای بودن گلها و به ویژه گل سرخ، دایره‌هایی که بر پرهای طاووس آشکار می‌شود و شکل نی‌مدایره آن، همه بیانگر قداست و اهمیت این صورت ازلی است. دایره‌وار جمع شدن نیز نشانه مهربانی و نزدیکی است	نقش گل هندسی (رز-نیلوفر)		
	هندسه مساجد، مدرسه، کاروانسرا، طرح چهارباغ در باغ‌های ایرانی	نماد تعادل جهان، تمامیت، نشانگر جهات مقدس، تقدس عدد چهار و عناصر چهارگانه، چرخه زندگی و حرکت خورشید و مفهوم زمان و حیات‌بخشی	چلیپا و چلیپای شکسته		
	آتشکده‌ها، کوشک‌ها، خانه‌های چهارصفه	تمامیت در خودآگاه، مقرنس‌کاری و کاربندی حلقه ارتباطی بین آسمان و زمین ایجاد وحدت فضایی جهت فضای کیهانی	مقرنس	کاربندی	



اشکال اساطیری	بازنمود مفاهیم در معماری	بازنمایی مفاهیم انگاره‌های ماندالایی	ویژگی‌های صوری اشکال ماندالا	کهن الگو	
	مثلث با ۳ بر، هندسه و اشکال، تزیینات، جزئیات	سه وجهی بودن جهان (مثل طول، عرض و ارتفاع)، ظهور واحد در کثرت	عدد سه	ماندالا اعداد	
	پلان مربع، چهار گوشه، شکل کلی چهارگانه، چهار صفت، چهار باغ، چهار ایوان	تمامیت خودآگاه، چرخه زندگی، چهار فصل، اصل، مادینه، زمین، طبیعت و چهار عنصر (خاک، هوا، آب و آتش)، نماد کمال و تمامیت و تکامل، جهات اربعه	عدد چهار		
	تزیینات و جزئیات فضا مساجد، خانه‌ها (کاشی هفت‌رنگ، هفت در چوبی، هفت درگاه...)	عدد کامل، مجموع سه (آسمان-رمز نرینگی) و چهار (زمین-نماد مادینگی) است. جمع آنیما با آئیموس، نماد خویشتن و یا ماندالاست. رقم هفت رمز باروری و زاینده‌گی و نسخ دوگانگی و نماد وحدت انسان و نمود انسان کامل و اتحاد زن و مرد و درون و بیرون است.	عدد هفت		

مأخذ: برمبای: (اردلان، بختیار، ۱۳۹۶): (یونگ، ۱۳۹۹): (نقره‌کار، ۱۳۹۸): (سلمانی‌نژاد، ۱۳۹۳).

همچنین در ادامه‌ی تحلیل‌ها برای بازنمود کهن‌الگوی خویشتن رمزگان‌های معماری اکو که شامل رمزگان تکنیکی، رمزگان نحوی و رمزگان معنایی می‌باشد در جدول ۴ با عنوان معرفی رمزگان تکنیکی، نحوی و معنایی در اندام‌های خانه‌های بهنام و قدکی بر مبنای کهن‌الگو ماندالا آورده شده است. شناسایی انگاره‌های مستخرج شده به تفکیک عناصر فضایی خانه‌ها منجر به بازنمایی دقیق مفاهیم از طریق این رمزگان‌ها شده‌اند.

با توجه به رویکرد پژوهش مبنی بر نشانه‌شناسی، عناصر کالبدی خانه‌ها به روش نشانه‌شناسانه سه‌گانه پیرس که شامل دال، مدلول و دلالت ضمنی است مورد تحلیل قرار گرفتند تا بتوان به تفسیر معنای پنهان این عناصر به تفکیک فضایی در هر خانه دست یافت. در جدول ۳ کالبد خانه‌های مورد مطالعه، به نحوی بهره‌گیری از انگاره‌های کهن‌الگویی پرداخته و در نهایت ویژگی‌ها و عناصر مهم آن در ساختار کالبدی آنها مشخص و تحلیل شده است.

جدول ۳: بازنمون نشانه‌ای انگاره‌ها و تصورات کهن‌الگوی خویشتن در خانه‌های بهنام و قدکی

انگاره‌ها و تصورات در بازنمود کهن‌الگو ماندالای خویشتن		
دالالت ضمنی (بازنمایی مفاهیم)	مدلول (انگاره‌های کهن‌الگو ماندالا)	دال (صورت‌های بنیادین کهن‌الگو ماندالا)
حرکت من به سوی خود-سیر از ظاهر به باطن-ارامش-امنیت- سکون-ساماندهی فضایی	دایره-مربع-ترکیبی-چهارتاقی- چلیپا-هشت ضلعی-نقش گل هندسی-عدد ۴-عدد ۷	ماندالا-کهن‌الگو خویشتن-کهن‌الگو نظم-شکل هندسی مقدس



تحلیل انگاره‌های ماندالایی در متن معماری فضاهای خانه بهنام بر اساس نشانه‌ها

خانه بهنام	رمزگان معماری	دال	سردر کلون	هشتی کاربندی	حیاط (بیرونی) اندرونی - باغچه-حوض	ایوان ستون-مقرنس	طنبی ارسی-مقرنس-نقاشی
		مدلول	نیمگنبد-دایره	گنبد-هشت ضلعی-مربع-دایره	چلیپا-مربع-فواره-دایره-عدد ۴	گل‌هندسی-گنبد-دایره-هشتضلعی	دایره-گل هندسی-عدد ۷-چلیپا شکسته
		دلالت ضمنی	نقطه آغاز و پایان، ابتدا و انتها	حلقه ارتباطی استقلال فضایی در عین وحدت فضایی، گذرگاهی به سوی کمال	تمامیت خودآگاه، حضور آب و حیات بخشی در نماد تمامیت، چرخه زندگی	اصل تکامل و تفرد و زیبایی	نماد مهربانی و نزدیکی، آرامش، نعمت، صلح، عشق و وحدت و امنیت
		تصویر					

تحلیل انگاره‌های ماندالایی در متن معماری فضاهای خانه قدکی بر اساس نشانه‌ها

خانه قدکی	رمزگان معماری	دال	سردر کلون	هشتی کاربندی	حیاط باغچه-حوض	ایوان ستون، آینه کاری	طنبی ارسی	حوضخانه حوض-کاربندی
		مدلول	نیم گنبد-دایره	گنبد-هشت ضلعی-مربع-دایره	چلیپا شکسته-فواره	گل هندسی-دایره-ستون عدد ۴	دایره-گل هندسی	گنبد-چهارتاقی-چلیپا-فواره-عدد ۴
		دلالت ضمنی	نقطه آغاز و پایان، ابتدا و انتها	حلقه ارتباطی جهت استقلال فضایی در عین وحدت فضایی، گذرگاهی به سوی کمال	تمامیت خودآگاه، حضور آب و حیات بخشی در چرخه زندگی	زیبایی، تکامل، چرخه زندگی، تمامیت خودآگاه	نماد مهربانی و نزدیکی، وحدت، امنیت، آرامش، کمال، نعمت و صلح در زندگی	زمان و حیات بخشی، تمامیت خودآگاه، تعادل، چرخه زندگی، مفهوم زمان و حیات بخشی
		تصویر						



جدول ۴: معرفی رمزگان تکنیکی، نحوی و معنایی در اندام‌های خانه‌های بهنام و قدکی بر مبنای کهن الگو ماندالا

نوع	اندام‌ها	رمزگان معماری	
		رمزگان تکنیکی	رمزگان نحوی
بهنام	حیات	آجر فرش، طاق نماها	فضای چند عملکردی و ارتباط فضای بیرون و هشتی با فضاهای داخلی، ارتباط جهان من با جهان معنوی
	ایوان	ستون و سرستون‌های گچی، پیشانی با تزیینات گچی و مقرنس کاری	سازماندهی فضاهای دیگر و استقرار آنها، ارتباط کالبدی فضای داخل با بیرون از طریق عنصر غیرکارکردی و تزییناتی و ایجاد تعامل با ذهن ناخودآگاه
	طنبی	ستون چوبی، گچبری، مقرنس کاری، طاقچه‌ها	ارتباط جنبه کارکردی با عناصر غیرکارکردی همچون تزیینات نقاشی دیواری و شمشه سقف، شومینه‌های نقاشی شده و پنجره‌های ارسی هفت‌دری و انعکاس معنایی
مشارکتی ورودی مشتری	سردر	نیم‌گنبد با تزیینات کاربردی و آجرکاری	فضایی مستقل، ایجاد فضای مکث و ترفنگی برای ارتباط با فضای درون خانه
	هشتی	سقف گنبد با کاربردی و تزیینات آجرکاری	فضای ارتباطی و واسط برای ایجاد سلسله مراتب فضایی در خانه و ورود به حیات با عناصر غیرکارکردی
قدکی	حیات	آجرکاری، آجر فرش	فضای قدسی و مرتبط با فضای اطراف در سه جبهه، وجود حوض و باغچه که تجلی طبیعت و سرآغاز رسیدن به معنا
	ایوان	ستون‌مارپیچ، آجرکاری، سرستون-گچی، پیشانی با تزیینات گچی	نقش سازماندهی و استقرار فضاهای دیگر، ارتباط با فضاها و دسترسی به آنها، تعامل انسان با معانی عناصر غیرکارکردی از طریق قرار گرفتن در فضا و اندیشه در آن
	طنبی	پنجره ارسی	فضای کارکردی با ارسی‌های رنگی جهت تعاملات انسان
	حوضخانه	سقف طاقی با پوشش کاربردی	تنوع فضایی و تناسب هندسی با پلان چلیپایی و انتقال معنا تواما با عناصر غیرکارکردی و کارکردی
			میل به وحدت معنوی، امنیت و آرامش
		نمودی از بهشت و تعامل با طبیعت که موجب تعامل با انسان و سیر به سوی خویش با ایجاد خودآگاهی	تلازم ناخودآگاه و به تمامیت رساندن خودآگاهی و دستیابی به دلالت‌های معنایی از طریق عناصر غیرکارکردی
		از کثرت به وحدت و تجسمی از وحدت ذاتی، تفکر و تعمق جهت رسیدن به اصل خویش و ایجاد آرامش و صلح و عشق ازلی درونی، نماد خویش	ایجاد تمرکز فضایی برای گذار از من به خویش و آغاز تعمق در جهان من
		نمودی از بهشت و تعامل با طبیعت که موجب تعامل با انسان و سیر به سوی خودآگاهی	نماد گذرگاهی به سوی روح و ابدیت، شروع تعامل انسان با خویش و آغاز سلسله مراتب سیر به درون

یافته‌ها

در این پژوهش، کهن الگوی ماندالا که در خانه‌های مورد مطالعه شناسایی گردید. با جمع‌بندی مطالب و معیارها استخراج شده از مفاهیم در جداول ۳ و ۴، می‌توان به دیگرام ۲ رسید. قابلیت بازنمایی کهن الگوی

خویش در این نمونه‌ها نشان می‌دهد پرداختن به معیارهای مبتنی بر کهن الگوی ماندالا در معماری خانه‌ها به عنوان اصلی‌ترین جوهره‌ی شکل‌دهی می‌باشد. ماندالا با نشانه‌هایی چون آب، فواره، باغچه، حوض، گنبد، نیم‌گنبد، چهارتاقی و ... چشم

محتوایی و معنایی به چشم می‌خورد و گذر از مربع به دایره، گذر از تبلور فضایی است به بی‌مرزی اصل فردانیت و گواهی بر ماهیت کهن‌الگویی و ریشه‌دار بودنش در ناخودآگاه جمعی بشر.

می‌خورد. معماری خانه‌های بهنام و قدکی حاصل انتظام شکل‌های هندسی متکی بر مرکز چون مربع، دایره، چند ضلعی‌های منتظم و فرم‌های چلیپایی است که در قالب ماندالا جمع هستند و در رمزگان تکنیکی،



دیاگرام ۲: تحلیل معنایی مفاهیم بازنمونی کهن الگوی خویشتن در خانه‌های بهنام و قدکی

ارتباط عمیقی با هستی انسان است. هر خانه داستان کهن‌الگوی خویش است. با توجه به روند پژوهش و تحیل لایه‌ای مفاهیم کهن‌الگویی ماندالا در ضمیر انسان در دو بخش خودآگاه (خویشتن) و ناخودآگاه (من) می‌توان در متن معماری خانه‌های مورد مطالعه، تأثیر متقابل جهان بیرون و جهان درون با بررسی نشانه‌های موجود در متن خانه‌های مورد مطالعه با تجلی و نحوه عین یافتن آنها در دیاگرام ۳ بازخوانی نمود.

معنای خانه، تجلی‌گر مفاهیمی معنوی بوده است تا مادی و کالبدی. در این راستا عناصر و کالبد خانه، عینیتی است در جهت تجلی معانی که در قالب هستی ساکنان خانه متجلی می‌شود. در چنین فضایی، عناصر و اندام‌ها ضمن هم پیوندی ساختاری با هم، محملی برای تجلی مفاهیم وجودی در موجودیت کالبدی در خانه هستند. لذا خانه به عنوان مکانی واجد مؤلفه‌های سازنده معنا، که خود را در صورت کالبدی نمایان می‌کند، دارای



دیاگرام ۳: خوانش نشانه‌شناختی از مفاهیم ماندالا در خانه‌های قدکی و بهنام

نتیجه‌گیری

جهت پاسخ دادن به سؤالات تحقیق است. در راستای پاسخ‌دهی به سؤال اول تحقیق، طبق تحلیل‌هایی که از جدول ۳ حاصل می‌شود، مشخص می‌شود هر یک از ریزفضاهای منتسب به خانه‌های مذکور برگرفته از اشکال و اعداد ماندالایی است که به تفکیک قابل درک است. ردپای نمود انگاره‌های ماندالایی در خانه‌های قاجاری بهنام و قدکی، در گذر از مربع به سوی دایره، آنها را به صورتی ازلی تبدیل کرده که به مثابه معماری کیهانی، جزء کهن‌الگوهای هستند که اعداد و الگوهای هندسی، که پایه‌های نخستین معماری خانه‌های بهنام و قدکی هستند، به الگوهایی ازلی بدل شده‌اند و فرافکنی تصویری کهن‌الگویی از ناخودآگاه به جهان خارج می‌باشند. مطالعات نشان می‌دهد اکثر فضاها در قالب شکل‌های هندسی ساده و منظم و قائم به مرکز شامل دایره، چندضلعی‌های منتظم و مربع را در خود مستتر دارند که در ترکیبی ماندالوار توسعه

نتیجه پژوهش حاکی از بازنمود معنایی کهن‌الگوها در خانه‌های مورد مطالعه حاکی از گذر از تبلور فضایی به بی‌مرزی اصل فردانیت، سلسله مراتب تکامل، نعمت، صلح، عشق، ابدیت بهشت به مثابه یک حقیقت دنیوی و در کل گواهی بر ریشه‌دار بودنش در ناخودآگاه جمعی بشر بر ایجاد الگوهایی ازلی برای زیستن در مکانی آرام و پایدار برای تجربه جهان به دور از محیط هرج و مرج آلود بیرون است. از ویژگی‌های بارز ماندالا تکرار نامتناهی و عدم تشابه انگاره‌های آن است؛ اشکالی که در عین تشابه، نامتشابه‌اند و نیز در انتقال معنا و جوه متمایزی را دارا هستند. با بررسی صورت‌های بنیادین، اشکال، اعداد و بازنمایی مفاهیم کهن‌الگو ماندالا؛ مهمترین نتیجه‌ای که این پژوهش می‌تواند در خودآگاه کهن‌الگوها داشته باشد پاسخ به چالش میان ظاهر و باطن خانه‌های قاجاری قدکی و بهنام و آشکار کردن لایه‌های گوناگون معنایی آن در

پدیده‌هاست (حمه‌جانی، بایزیدی، سحابی، ۱۳۹۶: ۴۵). نشانه‌شناسی با عنوان (Semiotics) یا (semiology) به کار برده می‌شود (دینه‌سن، ۱۳۹۰: ۱۱) و بر پایه روش یا رمزگان دسته‌بندی می‌شوند (شعیری، ۱۳۹۱: ۱). سیستم نشانه‌ها به مطالعه این موضوع می‌پردازد که معانی چگونه تولید می‌شوند و چگونه واقعیت را نشان می‌دهند (براتی، ۱۳۹۴: ۱) و راهی در جهت شناخت ناهشیار جمعی و کهن‌الگوها هستند.

۳. با توجه به گستردگی جامعه آماری و تعدد خانه‌های حیاط‌دار قاجار تبریز، روش نمونه‌گیری موارد مطلوب برای یافتن خانه‌های مورد نظر پژوهش انتخاب شده است. در نقشه دارالسلطنه تبریز که متعلق به دوره قاجار است ۲۰ محله مشخص شده است. در این میان خانه‌های محله‌ی نوبر به علت بافت تاریخی نسبتاً حفاظت شده از میان سایر محله‌ها انتخاب گردیده است. از طرف دیگر نمونه‌های مورد مطالعه در این محله به دو خانه بهنام و قدکی محدود گردید. دلیل انتخاب این دو خانه وجود گونه‌های فضایی مشابه از جمله ورودی مشترک، وجود حیاط اندرونی و بیرونی، تیپ پلانی اندام‌های فضایی داخلی، همجواری و نحوه قرارگیری، میزان تغییرات و مرمت‌های اعمال شده طی سالیان، شرایط اجرایی و فنی و در نهایت متعلق بودن هر دو خانه به مجموعه دانشکده معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز جهت مقایسه تطبیقی دقیق و جامع می‌باشد.

۴. انگاره‌های بنیادین پایدار

۵. ازلی

6. Levy-Bruhl

7. Representation Collective

۸. برای درک دقیقتر موضوع، باید بین کهن‌الگو و ایده‌های کهن‌الگویی تفاوت قائل شد.

۹. ماندالا یک واژه سانسکریتی به معنای مرکز یا دایره است و ماندالاها معمولاً دایره‌های متقارن پیرامون مرکز هستند (Hasegawa, 2017: 171). به معنای حلقه‌ای سحرانگیز می‌باشد و گستره تمثیلی اش اشکال کروی و یا صور شعاع‌دار متحدالمرکز منظم است که نقطه‌ای مرکزی دارند

یافته‌اند و دارای ماهیت کهن‌الگویی‌اند. در جهت پاسخ به سؤال دوم تحقیق، می‌توان گفت معماری مهمترین نموده‌های وجودی انسان را تأمین می‌کند و باز نمود آن می‌تواند دریافت خویشتن باشد. خویشتن در مقام پدیده‌ای پیشین و ماقبل تجربی در همه کس حضور دارد. ولی در حالتی ناآگاهانه بازتاب انگاره‌های ماندالایی در خانه‌های مورد مطالعه، فرافکنی آرزویی است از زمان‌های دور از لایه‌های ژرف ناخودآگاهی نشأت گرفته است. به این ترتیب با یکپارچگی خودآگاه و ناخودآگاه، ماندالا یا چرخه کمال تکامل یافته است. این مقاله شروعی است برای پژوهش‌های آینده جهت رسیدن به زبان مشترک معماری از طریق شناسایی انگاره‌های ماندالایی به عنوان ابزار معرفی تازه جهت فهم معانی در بناهای ارزشمند می‌باشد.

آنچه در ارتباط بین ماندالا و ساختار معماری خانه دیده می‌شود، خوانش معنایی جدیدی از این مجموعه‌هاست که از طریق داده‌های جداول ۳ و ۴، طی دیاگرام‌های ۲ و ۳ در دو بعد مادی و معنوی با بررسی الگوهای ماندالایی در کالبد فضاهای خانه‌ها بیان شدند. نهایت اینکه کهن‌الگوی ماندالا نشأت گرفته از ناخودآگاه جمعی، با تکرار یک الگو (و نه فضای حاصل از الگو) در معماری این خانه‌ها باعث تکامل آنها در بستر زمان (خرد جمعی) شده، پایدار مانده و به عنوان الگویی شاخص در طراحی خانه‌های قاجاری بهنام و قدکی دیده می‌شود.

پی‌نوشت

1. Gaston Bachelard, *The Poetics of Space*, (Baston, Beacon Press, 1969).

۲. معنا نیاز بنیادی انسان است و نشانه‌شناسی رهیافتی است که نگاهش به فراگرد معناست و به دنبال دلالت‌های ضمنی و کشف لایه‌های معنایی

فدایی، ۱۳۹۹: ۵۳-۵۴). به معنای ذات، جوهر، وحدت، دایره‌ای تورفته و دایره است (فیروزی مقدم، حمیدی، خیرآبادی، ۱۳۹۹: ۳۲۹). در پژوهش‌های مربوط به اعمال دینی، همچنین در روانشناسی به معنای تصاویر مدور است (بیلکسر، ۱۴۰۰: ۱۲۶).
۱۰. به شکل صلیب، ستاره، مربع، اشکال هندسی هشت ضلعی

11. Quadrature Circuli

12. self

۱۳. مرکز شکل با یک خورشید یا ستاره یا صلیب مشخص می‌شود که معمولاً چهار یا هشت یا دوازده پرتو نور از آن ساطع شده است؛ دایره‌ها و شکل‌های کروی و نقشه‌ای صلیب مانند، غالباً به صورتی چرخشی ترسیم می‌شوند (مانند صلیب شکسته)؛ دایره به صورت یک مارتصویر می‌شود که به دور مرکز چنبر زده است (حلقوی یا ماریپچی)

۱۴. معماری سنتی را می‌توان همچون بسط بنیادی دایره به مربع از طریق مثلث دانست. مربع نماینده کمیت و نیز دایره نماد کمیت می‌باشد و هر دو از طریق مثلث که متضمن دو جانبه است، ادغام می‌شود (اردلان، بختیار، ۱۳۹۶).

۱۵. تثلیث (سه) از نمادهای خویشتن و به همان اعتبار و اهمیت صورت الهی‌اند (مورنو، ۱۴۰۰: ۶۳).

۱۶. هفت حاکی از هفت مرحله دگرگونی می‌باشد (یونگ، ۱۳۹۹: ۱۱۱) و بیشترین درجه و در طریقت تشرف و عرفان غایت آمال خواننده می‌شود (همان: ۹۳) می‌توان گفت که روند تکامل ضمیرناخودآگاه فردی به پایان رسیده و در مرحله‌ی بعد، ناخودآگاه جمعی است که باید شکوفا شود (همان: ۹۴).

۱۷. مثلث (سه و نماد آسمان) و مربع (۴ و نماد زمین)

۱۸. از پیوستن مثلث و مربع که آسمان و زمین می‌باشند، دایره ایجاد می‌شود؛ که سمبل هستی است. همچنین هفت را القا می‌نماید که تمثیل کمال، الوهیت، هستی، آفرینش، تولد و مرگ است (شایگان، ۱۳۹۳).

منابع

اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۶) حس وحدت، مترجم و نداد جلیلی، چاپ ششم، تهران، علم معمار.

اسمعیلی‌سنگری، حسین و بهروز عمرانی (۱۳۹۳) تاریخ و معماری تبریز قدیم، تبریز، فروزش.

اشرف گنجویی، محمد. علی، و سلطانزاده زرنندی، محمد. (۱۴۰۱) «بررسی دگرگونی‌های فضای خانه‌های تاریخی شهر کرمان دو گونه قاجار و پهلوی اول»، باغ نظر، ۱۹(۱۱)، صص ۵۹-۷۴.

اوجاق علیزاده، شهین و لیلا غلام‌پور آهنگرکلایی (۱۳۹۹) «تحلیل نماد ماندالا در منطق الطیر عطار»، پژوهشنامه عرفان، سال ۱۲، شماره ۲۳، صص ۷۱-۹۰.

براتی، ناصر (۱۳۹۴) «تعریفی معناشناسانه- فرهنگی از مکان (مطالعه موردی: زبان فارسی)»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، شماره ۷، صص ۳-۱۰.

براتی، ناصر و الهام کاکاوند (۱۳۹۵) «کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی-اسلامی»، باغ نظر، سال ۱۳، شماره ۴۲، صص ۵-۱۸.

بهرامی سامانی، نازنین، اسلامی، سید یحیی، و اسلامی، سید غلام‌رضا (۱۴۰۱) «نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در مناره‌ها و میل‌های راهنما»، هویت شهر، ۱۶(۱)، صص ۵۹-۷۰.

بهنود، الناز و لیدا بلیلان و داریوش ستارزاده (۱۳۹۹) «تجلی کهن‌الگوهای یونگ در ساختار معماری مجموعه آرامگاهی عارف چلیباوغلو»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۹، سال ۸، صص ۱۱۸-۱۴۵.

بیلکسر، ریچارد (۱۴۰۰) اندیشه یونگ، ترجمه حسین پاینده، چاپ سوم، تهران، مروارید.

پورمند، حسن علی، و ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۵) «حقیقت مکان و فضای معماری»، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۲(۴)، صص ۴۳-۶۰.

حمه‌جانی، یوسف و قادر بایزیدی و جلیل سحابی (۱۳۹۶) «مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی»، باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۵۷، صص ۴۵-۶۲.

دینه‌سن، آنه‌ماری (۱۳۹۰) درآمدی بر نشانه‌شناسی، مترجم مظفر قهرمان، آبادان، پرستش.

رضوی‌زاده، اعظم‌السادات (۱۳۹۹) «بررسی ابعاد پایداری کهن‌الگوهای معماری گذشته به منظور تداوم در طراحی خانه امروز (استخراج احکام طراحی مبتنی بر کهن‌الگوهای اقلیم گرم و خشک)»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۷، سال ۸، صص ۸۰-۹۸.

رمضانپور، مهرناز و علی شرقی و جمال‌الدین مهدی‌نژاد (۱۳۹۸)، ارزیابی مسکن معاصر در ایران با معیارهای اسلامی ایرانی، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۵، صص ۱۸-۵.

زندگی‌محب، آرزو (۱۴۰۰) «تحلیلی بر نماد کهن‌الگوها و نیروی آفرینش ناخودآگاه جمعی در گذرگاه‌ها»، اثر، ۴۲(۳)، صص ۲۸۲-۳۰۷.

سلمانی‌نژاد مهرآبادی، صغری (۱۳۹۳) واکاوی برخی اشکال کهن‌الگوی ماندالا در ناخودآگاه قومی ظاهر صفارزاده، پژوهش‌های ادبی بلاغی، ۲(۷) صص ۳۵-۵۷.

شایگان، داریوش (۱۳۹۳) بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱) نشانه‌معناشناسی دیداری، تهران، سخن.

شولتز، کریستیان نوربری (۱۴۰۰) مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیری‌احمدی، چاپ یازدهم، تهران، آگه.

غلام‌پورآهنگر، لیلا و محمود طاووسی و شهین اوجاق‌علیزاده (۱۳۹۵) «تحلیل کهن‌الگوی خویشتن در منطق الطیر عطار»، جستارهای ادبی، شماره ۱۹۴، صص ۴۵-۷۱.

فدایی، فرید (۱۳۹۹) یونگ و روانشناسی تحلیلی او، چاپ پنجم، تهران، دانژه.

فیروزی مقدم، محمود و طاهره حمیدی و عباس خیرآبادی (۱۳۹۹) «بازتاب نمادها و نشانه‌های ماندالا در داستان مصور کودک و نوجوان»، نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۸، صص ۳۲۸-۳۴۳.

قره‌بیگلو، مینو و لاله رشاد (۱۴۰۰) «عوامل تصویرپذیر در خانه‌های دوره قاجار در شهر تبریز»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۳، صص ۲۳۳-۲۴۱.

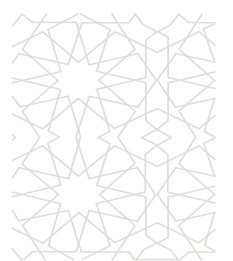
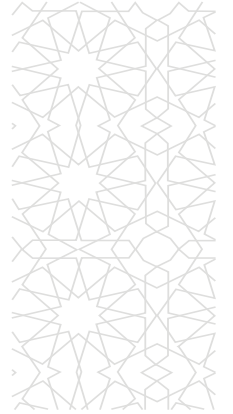
کاظمی، سید محمد و حسین مهدوی‌پور و سید علی اکبر کوشش‌گران (۱۴۰۰) «بازخوانی حضور مراتب حیات در ساخته‌ها با رجوع به خانه‌های تاریخی شهر یزد»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴۳، صص ۵۷-۷۰.

کاظمی، لیلا، شبم اکبری‌نامدار و میرسعید موسوی و حسن ستاری‌ساربانقلی (۱۳۹۷) «مقایسه تطبیقی هندسه‌ی مسجد امام اصفهان و مسجد سلیمانیه بر اساس مفاهیم کهن‌الگویی»، اقلیم گرم و خشک، شماره ۸، صص ۱۳۸-۱۱۹.

(۱۳۹۹) «بازشناسی مفهوم کهن‌الگوی خویشتن در عناصر شاخص اسلامی دوره صفوی-عثمانی (مساجد حکیم اصفهان و سلطان احمد استانبول)»، مطالعات تاریخی جهان‌اسلام، شماره ۱۶، صص ۷-۳۸.

کی‌نژاد، محمدعلی و محمدرضا شیرازی (۱۳۹۹) خانه‌های قدیمی تبریز، چاپ دوم، تهران، متن.

گلابچی، محمود و فریدزینالی (۱۳۹۳) معماری آرکی‌تایپی (کهن‌الگویی)، چاپ دوم، دانشگاه تهران.



مک گوایر، ویلیام و ریچارد فرانسیس کرینگتون هال (۱۳۹۸) یونگ می گوید: مصاحبه‌ها و دیدارها، ترجمه دکتر سیروس شمیسا، چاپ ششم، تهران، قطره.

مورنو، آنتونیو (۱۴۰۰) یونگ: خدایان و انسان مدرن، ترجمه داریوش مهرجویی، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۸) برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، چاپ سوم، تهران، فکرنو.

هالینگ دیل، جینالد (۱۳۹۸) تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ دوازدهم، تهران، ققنوس.

هروی، حسنیه و محمدمنصور فلامکی و سیدعطاالله طاهایی (۱۳۹۸ الف) «بازتاب کهن‌الگوی مادر در معماری تاریخی ایران بر اساس آراء یونگ»، باغ نظر، ۱۶ (۷۵) الف، صص ۵-۱۴.

(۱۳۹۸ ب) «بازتاب آرکی‌تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران بر اساس آراء یونگ رمز مادینگی در طرح‌واره‌های ماندالوار معماری تاریخی ایران»، باغ نظر، ۱۶ (۸۰) ب، صص ۵۱-۶۲.

ولیان، شمیم (۱۳۹۱) ماندالا در معماری اسلامی ایران، نشریه بیناب (سوره مهر) شماره ۲۲، صص ۵۳-۹۲.

یاوری، فاطمه و عباسعلی وفایی (۱۳۹۶) «واکاوی و تحلیل کهن‌الگو و نمادهای فرارونده عرفانی

در گلشن راز با رویکرد به نظریه روانشناختی یونگ»، فصلنامه عرفانیت در ادب فارسی، شماره ۳۱، صص ۱۵۹-۱۷۴.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۵) انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، چاپ دهم، تهران، جامی.

(۱۳۹۹) روانشناسی و کیمیاگری (انسان و اسطوره‌هایش) ترجمه محمود به‌فروزی، چاپ چهارم، تهران، جامی.

(۱۴۰۰) ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو، مترجمان: فرناز گنجی، دکتر محمدباقر اسمعیل‌پور، چاپ چهارم، تهران، دیبا.

Ayy İd z, Sonay. Ertürk, Filiz. Durak, Şahin. & Dü İger, Alper (2017) Importance of Typological Analysis in Architecture for Cultural Continuity: An Example from Kocaeli (Turkey), Conf. Series: Materials Science and Engineering 245.

Barrie, The (2016) The Sacred In-between: The Mediating Roles of Architecture. London: Routledge.

Hasegawa, Masami (2017) Phylogeny mandalas for illustrating the Tree of Life, Molecular Phylogenetics and Evolution, (117), 168 - 178

Lee, Jonathan H.X. & Nadean, Kathleen M. (2011) Encyclopedia of Asian American Folklore and Folklife, U.S.A: ABC-CLIO, (1)11-53.